

راه نجات و موفقیت در برخورد با حملات شیطان چیست؟

چگونه می‌توان در برخورد با حملات شیطان راه درستی برگزید؟

همه ما کم‌وبیش با ماهیت شیطان آشنایی داریم و در درس‌های گذشته متوجه شدیم که شیطان دشمن آشکار ماست؛ اما آیا تا به حال به این فکر کرده‌اید که معمولاً در برخورد با حملات شیطان از خود چه واکنشی نشان می‌دهیم؟

درواقع هریک از ما نسبت به این حملات موضع‌گیری متفاوتی داریم. بعضی‌ها دشمنی شیطان را باور کرده و در مقابلش اقدام‌ها و احتیاط‌های لازم را به کار می‌گیریم و بعضی دیگر نسبت به آن بی‌تفاوت بوده و خواسته یا ناخواسته مغلوب وسوسه‌ها و حمله‌هایش می‌شویم.

شیطان برای ما دشمنی قسم‌خورده است که هدفی جز به جهنم کشاندن و سقوط ما از صراط مستقیم ندارد. حالا یا در برابر این دشمن تسلیم شده و رنج و عذابی ابدی را برای خود می‌خریم و یا طبق فرموده خداوند او را دشمن گرفته و به مبارزه با او برمی‌خیزیم. به‌هرحال واضح است که مبارزه با شیطان بدون آگاهی حداقلی ما از انواع و نحوه حملاتش میسر نیست. این آگاهی باعث کمتر فریب خوردن ما می‌شود؛ چون در این صورت محدوده‌های احتمال خطر و کمین او را شناخته و مراقبیم تا در این مواضع غفلت نکنیم. غفلتی که می‌تواند زمینه هریک از حمله‌های چهارگانه شیطان را فراهم کند.

ما بدون درگیری و دشمنی با شیطان در صراط مستقیم به کمال نمی‌رسیم. یعنی هرگونه سکوت و برخورد منفعلانه در برخورد با حملات شیطان، او را نسبت به ما حریص‌تر کرده و بیشتر گرفتارمان می‌کند. پس بهتر است به‌جای ناامیدی، حملات چهارگانه او را در حکم واکنشی در نظر بگیریم که قدرت ما را برای خطرات احتمالی بعدی افزایش می‌دهد؛ البته مقابله با شیطان لزوماً به‌معنی رودررو شدن با او نیست. گاهی وقت‌ها بهترین روش مبارزه با شیطان نادیده گرفتن آگاهانه تحریکات و وسوسه‌های اوست. درحقیقت

همان‌طور که دشمن ما تمام تجربه و توان خود را برای سقوط و انحرافمان از صراط مستقیم به کار می‌گیرد، ما هم باید از تمام ظرفیتمان در برخورد با حملات شیطان استفاده کرده و با او مبارزه‌ای آگاهانه داشته باشیم.

نحوه عملکرد و شگردهای شیطان

ما برای موفقیت در برخورد با حملات شیطان نیاز داریم تا هم از شگرد و نوع حمله‌های او با خبر شویم و هم راه‌های نفوذ را بر او ببندیم. برای شیطان تنها رسیدن به هدف مهم است و هدف او جلوگیری از تولد سالم ما به آخرت و نرسیدن ما به هدف خلقتمان است. ممکن است برای بعضی از ما تنها یک حمله کارساز باشد و برای برخی دیگر بنابر ساختار شخصیتی و موقعیتی که داریم، از تمام حملات یا ترکیبی از دو یا چند حمله استفاده کند. معمولاً تصور عموم مردم بر این است که ابزار و کمالات منفی، حرام یا نامقدس دست‌آویزی برای انحراف ما قرار می‌گیرند، اما حقیقت این است که برای شیطان فرقی در نوع این ابزار و کمالات وجود ندارد.

شیطان از هر چیزی که مربوط به محسوسات، مخیلات، توهّمات و معقولات ماست، در تمام قالب‌های حرام، مباح یا مقدس‌شان، برای فریب ما استفاده می‌کند. با این حساب بدون در نظر گرفتن انواع قابلیت‌های حسی ما، پانزده روش مختلف برای وسوسه ما در اختیار دارد. یعنی ممکن است گاهی از در خیال‌های حرام وارد شده و گاهی از خیال‌های مباح مثل فکر خانه و امور زندگی یا حتی خیال‌های مقدسی که رنگ و بوی الهی دارند، برای فریب ما استفاده کند؛ به‌همین ترتیب امکان دارد باعث سوءاستفاده ما از علم و دانش شده و یا به‌خاطر رتبه علمی‌مان ما را دچار غرور و تکبر کند. البته خود محسوسات که شامل دیدنی‌ها، شنیدنی‌ها، بوئیدنی‌ها، خوردنی‌ها و لمس‌کردنی‌های ما می‌شوند هم دامنه وسیعی از حملات شیطان را

دربرمی‌گیرند و می‌توانند زمینه حمله‌های بعدی او را فراهم کنند. مثلاً کسی که در خوردن حلال و حرام به اندازه لازم دقت نمی‌کند، خیلی راحت زمینه موفقیت شیطان در سایر زمینه‌ها را به‌وجود می‌آورد.

شیطان نه‌تنها از امور آشکار ما باخبر است، بلکه از پنهانی‌ترین افکار و احساساتی که در زوایای ذهنی ماست هم خبر دارد. بنابراین با استفاده از عواطف نفسانی ما یعنی ترس، امید و آرزو در شهوت و غضبی که داریم نفوذ کرده و از این راه فکر و اراده‌ای که از این عواطف ناشی می‌شود را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. به‌این‌ترتیب تمام مقدمه‌های لازم را برای دریافت یک حمله کارآمد در درون ما شکل می‌دهد و در فرصت مناسب از طریق ایجاد ترس، غم، وسوسه یا وعده‌های دروغ ما را به انحراف و گمراهی می‌کشاند. غم‌هایی که توسط شیطان تولید می‌شوند یا کندکننده حرکت و سرعت ما هستند و یا ما را به طور کامل در مسیر حرکتمان متوقف می‌کنند؛ حتی گاهی اوقات به‌قدری قدرتمندند که به‌کلی جهت حرکت ما را تغییر داده و ما را در مسیری خلاف آنچه خدا می‌پسندد، قرار می‌دهند.

بستن راه نفوذ

شیطان برای فریب ما قطعاً نیاز به راه و مجرای برای نفوذ دارد. درواقع همیشه سراغ چیزهایی می‌رود که ما آن را نداشته و در آن زمینه احساس فقر و تشنگی می‌کنیم و یا از طریق آن لذتی می‌بریم. یعنی دست روی مواردی می‌گذارد که مورد نیاز ماست. چیزهایی که از آن قطع ارتباط کرده و یا از آن‌ها دل بریده‌ایم، برای شیطان موضوعیتی ندارد. مثلاً برای فرد مسنی که از فضای مجازی سر در نمی‌آورد، انواع کمین‌ها و وسوسه‌های موجود در فضای اینترنت موضوعیتی ندارد. برای کسی که از لحاظ مالی بی‌نیاز است، قاعدتاً وعده پول و خانه و ماشین نمی‌تواند کارساز باشد یا کسی که خود صاحب بالاترین مقام‌ها و منصب‌هاست، طبیعتاً با وعده مقام و وسوسه نمی‌شود؛ ممکن است برای چنین فردی ترس از دست دادن مقام مهم‌تر باشد و یا حمله‌هایی از سمت راست او را دچار غرور و تکبر کند. یا کسی که به‌دنبال کسب مدرک و وجهه اجتماعی

است، احتمالاً با حملات و وسوسه‌هایی که او را در مقام مقایسه و مسابقه با دیگران قرار می‌دهد، مواجه می‌شود. شاید هم شیطان به واسطه نداشتن جایگاه اجتماعی او را غمگین کرده یا دچار حمله از جلو یا ترس از آینده کند.

به هر حال شیطان برای نفوذ به نفس ما نیاز به دست‌آویز دارد. و همان‌طور که سخت‌ترین طوفان‌ها بدون وجود سوراخ و روزنه راهی به درون خانه ندارند، شیطان هم با تمام استادی‌اش بدون دست‌آویز راهی به درون ما ندارد. البته گاهی از امور نه‌چندان مهم برای ضعیف کردن و غفلت ما استفاده می‌کند و سپس در اقدامی غافلگیرانه ضربه نهایی خود را به ما زده و از طریق غم یا ناامیدی ما را در مسیر حرکت‌مان کند کرده و یا متوقف می‌کند. مثلاً از طریق وسوسه ما را دچار حمله از سمت چپ کرده و به گناه می‌کشاند و سپس به قدری ما را شماتت می‌کند که انگیزه و امیدی برای بازگشت دوباره به آغوش خدا نداشته باشیم.

با این حساب می‌توانیم بگوییم که یکی از بهترین راه‌ها در برخورد با حملات شیطان پیشگیری است؛ یعنی از طریق خودشناسی با مراتب مختلف نفس خود آشنا شده و زمینه‌ها و روزنه‌های نفوذ شیطان را شناسایی کنیم. و برای موفقیت در برخورد با حملات شیطان و بستن راه نفوذ او ابعاد پایینی وجودمان را کنترل کرده و تحت حکمرانی قوه فوق عقلمان قرار دهیم. زیرا ما به ما به میزانی از شیطان فاصله می‌گیریم که بعد الهی وجودمان را تقویت کنیم؛ یعنی با تغذیه کافی و مناسب بعد فوق عقلی، دست‌گیره‌ای برای شیطان در بخش‌های طبیعی وجودمان قرار ندهیم. البته نباید فراموش کنیم که همه این اقدامات وابسته به درک ما از میدان درگیری و مبارزه با شیطان و میزان آمادگی ماست. وگرنه قوی‌ترین افراد هم معمولاً زمانی دچار شکست می‌شوند که یا از آمادگی لازم برخوردار نبوده و یا در حملات دشمن دچار غافلگیری شوند.

ما در این درس با انواع شگردها و مکاید شیطان آشنا شدیم. گفتیم که در برخورد با حملات شیطان تسلیم به معنی سقوط ماست پس راهی جز مبارزه در پیش رو نداریم. برای مبارزه هم نیاز به آگاهی از نوع و نحوه

حملات شیطان داریم و هم لازم است بدانیم که ضعف‌ها و روزنه‌های نفس ما کجاست. شیطان برای نفوذ به ما از محسوسات، خیالات، موهومات و امور عقلی در سه حالت حرام، مباح و مقدسی که دارند استفاده کرده و خود را محدود به کمالات منفی و امور حرام نمی‌کند. ما هم باید در مبارزه با او از تمام ظرفیت خود استفاده کرده و دستگیره‌ای برای نفوذ شیطان باقی نگذاریم.

شما در برخورد با حملات شیطان چه راهی را در پیش می‌گیرید؟ آیا به فکر قطع کردن دست‌آویزهای شیطان در نفس خود هستید؟